

یک برنامه‌ی کارگری

رزمنده برای حزب کمونیست فرانسه

پنج سال نخست انترناسیونال کمونیست، جلد دوم

۱) میرم ترین وظیفه‌ی حزب، عبارت است از سازماندهی مقاومت پرولتاریا در برابر تهاجم سرمایه‌داری که هم اکنون در فرانسه، درست همانند دیگر کشورهای اصلی سرمایه‌داری، در دستور کار است. دفاع از هشت ساعت کار روزانه، حفظ و افزایش پایه‌ی فعلی دستمزدها، مبارزه برای کلیه‌ی مطالبات اقتصادی فوری، همه و همه بهترین پلاتفرم ممکن برای وحدت دوباره‌ی پرولتاریای غیرمتشکل و بازگرداندن اعتماد وی به توان و آینده‌ی خویش است. حزب باید بلافاصله در هر آکسیون توده‌ای متحدانه که قادر به تعویق تهاجم سرمایه‌داری و القای تدریجی روح وحدت به طبقه‌ی کارگر است، ابتکار عمل را به دست گیرد.

۲) حزب باید کارزاری را برعهده گیرد تا از یک سو وابستگی دوسویه میان حفظ هشت ساعت کار روزانه و دستمزدها، و هم از سوی دیگر تأثیر اجتناب ناپذیر هر مطالبه بر مطالبه‌ی دیگر را نشان دهد. حزب در آرژانتاسیون خود باید نه فقط از شبیخون کارفرمایان بهره‌بردار، بلکه هم چنین از هر حمله‌ی دولت علیه منافع مستقیم کارگران- به عنوان مثال وضع مالیات بر دستمزدها- و هر موضوع اقتصادی که به طور اخص به طبقه‌ی کارگر مربوط می‌شود- نظیر افزایش اجاره بهاء، مالیات بر فروش، تأمین اجتماعی و نظایر این‌ها- بهره‌بردار می‌کند. حزب باید یک کارزار تهییجی فعال را در میان کارگران و برای ایجاد کمیته‌های کارخانه و فروشگاه، کمیته‌هایی که تمامی کارگران هر صنف را صرف نظر از سازمان یافتگی

سیاسی آن‌ها یا وضعیت عضویتشان در اتحادیه‌ها دربرگیرد، به راه بیاندازد. هدف این کمیته‌های کارخانه و فروشگاه، معرفی کنترل کارگری بر شرایط کار و تولید است.

۳) شعارهای مبارزاتی برای مطالبات مادی حیاتی پرولتاریا، باید به مثابه‌ی ابزار تحقق جبهه‌ی واحد در برابر ارتجاع اقتصادی و سیاسی در زندگی روزمره خدمت کند. تاکتیک جبهه‌ی واحد کارگری باید قاعده‌ی اصلی ما برای هر آکسیون توده‌ای باشد. حزب باید شرایط مطلوب را برای موفقیت این تاکتیک، مهیا و فراهم سازد؛ و برای این هدف باید به جد عهده‌دار آموزش اعضا و هواداران خود شود، آن‌هم با هر وسیله‌ی تبلیغی و تهییجی که در دسترس دارد. مطبوعات، جزوات، نشست‌هایی از همه‌نوع، باید در این فعالیت آموزشی-فعالیتی که حزب می‌بایست در هر گروه پرولتری که کمونیست‌هایی در آن‌جا حضور دارند انجام دهند-استفاده شوند. حزب باید به مهم‌ترین سازمان‌های کارگری اقتصادی و سیاسی رقیب، فراخوان دهد. از این‌جا به بعد، باید گاه و بیگاه علناً طرح‌های پیشنهادی خود و طرح‌های رفورمیست‌ها و همین‌طور علل پذیرش یا رد برخی طرح‌ها را توضیح دهد. در هیچ موردی حزب نمی‌تواند استقلال بی‌قید و شرط خود، حق خود برای انتقاد به تمامی شرکت‌کنندگان در یک آکسیون مشترک را انکار کند. حزب همواره باید به دنبال آن باشد که ابتکار عمل این جنبش‌ها را به دست گرفته و حفظ کند، و در عین حال با روح برنامه‌ی خود، بر ابتکار عمل دیگران تأثیر بگذارد.

۴) برای آن‌که بتوان در یک آکسیون کارگری از هر نوع آن شرکت جست، برای کمک به جهت‌دهی به این آکسیون، یا در برخی شرایط خاص به دست گرفتن نقش رهبری در آن، حزب باید بدون فوت وقت، فعالیت خود را در درون اتحادیه‌های کارگری سازمان دهد. تشکیل کمیته‌های اتحادیه‌ی کارگری در فدراسیون‌ها و بخش‌ها (مطابق با تصمیمی که در کنفوانسیون پاریس گرفته شد) و همین‌طور

ایجاد هسته‌های کمونیستی در هر کارخانه و بنگاه‌های دولتی یا خصوصی بزرگ، به حزب اجازه خواهد داد که به درون توده‌ها وارد شود و آن را قادر می‌سازد که شعارهای خود را گسترش دهد و نفوذ خود را در درون جنبش پرولتری بالا برد. کمیته‌ی اتحادیه‌ی کارگری، در هر حزب یا هیئت اتحادیه‌ای، تماس‌های خود را با آن دسته از کمونیست‌هایی که با اجازه‌ی حزب در درون اتحادیه‌ی رفورمیست «ث.ژ.ت.» (CGT) باقی ماندند و مخالفت خود را با سیاست رهبران رسمی پیش می‌برند، حفظ می‌کند. آن‌ها هر عضو سندیکایی در درون حزب را ثبت می‌کنند، فعالیت‌های وی را کنترل و دستورالعمل‌های حزب را به او منتقل می‌کنند.

۵) فعالیت‌های کمونیست‌ها در تمامی اتحادیه‌های کارگری بدون استثناء، اساساً شامل جستجو برای وحدت دوباره‌ی اتحادیه‌ها، به عنوان امری ناگزیر برای پیروزی پرولتاریا، خواهد شد. کمونیست‌ها باید از هر فرصتی برای توضیح پیامدهای سوء شکاف موجود و حمایت از وحدت، سود ببرند. حزب باید با هر گرایشی که تمایل به سوی انحصار تشکیلاتی، فضای گروه‌های محفلی- در درون اتحادیه‌ها یا محلات- و ایدئولوژی‌ی آناشیستی دارد، مقابله کند. باید از ضرورت یک جنبش متمرکز، ایجاد سازمان‌های وسیع با پایه‌ی کارگران صنعتی، و هماهنگی میان اعتصابات دورافتاده دفاع کنند تا به این ترتیب آکسیون‌های توده‌ای متحد و یکپارچه را که اعتماد کارگران را به نیروی خویش بالا می‌برند، جایگزین آکسیون‌های جزئی و محلی محکوم به شکست نمایند. کمونیست‌ها در «ث.ژ.ت. او.» (CGTU) باید با هر گرایشی که مخالف پیوستن اتحادیه‌های کارگری فرانسه به «انترناسیونال اتحادیه‌های کارگری سرخ» (RILU) هستند، مبارزه کنند. در اتحادیه‌ی رفورمیست «ث.ژ.ت.»، آن‌ها باید «انترناسیونال آمستردام» و سوءاستفاده‌های رهبران آن به نفع سازش طبقاتی را افشا کنند. آنان در هر دو فدراسیون باید برای آکسیون‌ها، تظاهرات و اعتصابات مشترک، برای جبهه‌ی

واحد، وحدت ارگانیک و برنامه‌ی «انترناسیونال اتحادیه‌های کارگری سرخ» در کلیت آن مبارزه کنند.

۶) حزب باید از هر جنبش توده‌ای و وسیع- اعم از خودانگیخته یا سازمان یافته- استفاده کند تا خصلت سیاسی هر مبارزه‌ی طبقاتی را نشان دهد. باید از هر فرصتی برای گسترش شعارهای مبارزه‌ی طبقاتی خود نظیر عفو سیاسی، فسخ معاهده‌ی ورسای، تخلیه‌ی کرانه‌ی چپ رود «راین» و غیره، در وسیع‌تر سطح ممکن سود برد.

۷) مبارزه علیه معاهده‌ی ورسای و پیامدهای آن، باید در صف نخست کل فعالیت حزب باشد. ما باید مسبب اتحاد پرولتاریای فرانسه و آلمان در برابر بورژوازی هر دو کشور شویم که از این معاهده نفع می‌برند. از این نظر، این وظیفه‌ی مبرم حزب فرانسوی است که کارگران و سربازان را از مخمصه‌ی تراژدیک برادران آلمانی خود، کسانی که به دنبال شرایط معیشتی غیرقابل تحمل ناشی از این معاهده‌ی صلح درهم شکسته اند، مطلع کند. حکومت آلمان برای اجابت خواسته‌های «متفقین»، هم‌چنان بار بیش‌تری را به روی شانه‌های طبقه‌ی کارگر آلمان می‌اندازد. بورژوازی فرانسه، بورژوازی آلمان را در مضیقه می‌گذارد، وارد مذاکراتی با خود می‌کند که به ضرر کارگران است، به آن کمک می‌کند که مالکیت زیرساخت‌های عمومی دولتی را به دست بگیرد، تضمین می‌کند که در برابر جنبش انقلابی ضمن ارائه‌ی کمک از آن محافظت کند. بورژوازی هر دو کشور آماده‌ی ادغام منافع حاصل از فولاد فرانسه و زغال سنگ آلمان هستند. آن‌ها درحال رسیدن به توافق بر سر مسأله‌ی اشغال «رور» هستند که معنایی جز به بندگی کشاندن معدنچیان زغال سنگ «رور» ندارد. اما کارگران تحت استثمار حوضه‌های «رور»، تنها کسانی نیستند که با تهدید روبرواند. کارگران فرانسوی در موقعیتی نخواهند بود که از پس رقابت تولید آلمانی بریبایند، چرا که با کاهش ارزش مارک، تولید آلمان به

ارزان‌ترین قیمت برای سرمایه‌داران فرانسه تقلیل خواهد یافت. حزب باید این وضعیت را برای طبقه‌ی کارگر فرانسه توضیح و به او در برابر خطری که تهدیدش می‌کند هشدار دهد. مطبوعات حزبی باید همواره مصایب پرولتاریای آلمان، این قربانی واقعی معاهده‌ی ورسای را توصیف و تشریح کنند، و امکان ناپذیر بودن انجام این معاهده را نشان دهند. تبلیغات ویژه‌ای باید در مناطق تحت اشغال و جنگ‌زده برای افشای مسئولیت بورژوازی دو کشور در فلاکت و مصایب این مناطق، و برای گسترش روح همبستگی در میان کارگران این دو کشور انجام گیرد. شعار کمونیستی باید خواهان برادری کارگران فرانسوی و آلمانی در کرانه‌ی چپ رود «راین» باشد. حزب باید پیوندهای نزدیکی را با حزب خواهر خود در آلمان به منظور هدایت موفقیت‌آمیز مبارزه علیه معاهده‌ی ورسای و الزامات آن حفظ کند. حزب باید با امپریالیزم فرانسه، و علاوه بر آن با نه فقط سیاست آن در آلمان که در سرتاسر جهان به نبرد برخیزد: توجه خاصی باید به معاهدات صلح «سن. گِرمَن»، «نوی»، «تریانون» و «سور» معطوف شود.

۸) حزب باید به طور سیستماتیک به داخل ارتش نفوذ کند. تبلیغات ضد میلیتاریستی ما باید عمیقاً متفاوت با پاسیفیزم ریاکارانه‌ی بورژوازی باشد. اصل مسلح کردن پرولتاریا و خلع سلاح بورژوازی، باید بر تبلیغات ما مستولی باشد. کمونیست‌ها در مطبوعات حزبی خود یا در پارلمان، و در هر فرصت مناسبی، باید از مطالبات سربازان حمایت کنند، بر به رسمیت شناخته شدن حقوق سیاسی آنان پافشاری کنند، و غیره. هر بار که فهرست جدید نام نویسی سربازان مطرح می‌شود، هر بار که خطر جنگی دیگر وجود دارد، تهییجات انقلابی ضد میلیتاریستی ما باید تشدید شود. این تبلیغات می‌باید تحت نظارت یک هیئت حزبی ویژه صورت گیرد که جوانان کمونیست در آن شرکت داشته باشند.

۹) حزب باید آرمان مردمان مستعمرات، مردمان تحت ستم و استثمار امپریالیسم فرانسه را آرمان خود بداند. باید از مطالبات ملی آنان که پله هایی را در مسیر رهایی آن ها از یوغ سرمایه ی خارجی شکل می دهد، حمایت کنند. باید بدون هرگونه تعلل از حق آن ها برای خودمختاری و استقلال دفاع کند. مبارزه ی بی قید و شرط برای آزادی های سیاسی و صنفی بومیان، و علیه سرپازگیری در داخل آن کشورها، مبارزه برای مطالبات سرپازان بومی، و وظیفه ی فوری حزب است. باید با هر گرایش ارتجاعی، حتی در میان عناصر معینی از طبقه ی کارگر که به محدودیت حقوق بومیان یاری می رساند، بی رحمانه مبارزه کند. باید هیئت ویژه ای به عنوان ضمیمه ی کمیته ی مرکزی ایجاد کند تا فعالیت حزب را در درون مستعمرات پیش ببرد.

۱۰) تبلیغات ما در میان دهقانان برای جلب کارگران کشاورز، کشاورزان اجاره دار و دهقانان فقیر به سوی جنبش انقلابی، و به دست آوردن حس همدردی زمینداران جزء، باید همراه باشد با مبارزه برای بهبود شرایط معیشت و کار کارگران کشاورزی که به شکل اجاره ای یا برای زمینداران بزرگ، کار می کنند. چنین مبارزه ای خواهان آن است که سازمان های حزبی ایالات مختلف، برنامه های مطالبات فوری را متناسب با شرایط ویژه ی هر محل، توضیح و بسط دهند. حزب باید انجمن ها و تعاونی های کشاورزی را که برای رفع نیازهای فردی دهقانان هستند، تکامل دهد. حزب باید توجه ویژه ای به برپایی و گسترش اتحادیه های کارگری در میان کارگران کشاورزی داشته باشد.

۱۱) فعالیت حزبی در میان زنان، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و به سازمان ویژه ای نیاز دارد. یک کمیسیون مرکزی، به عنوان ضمیمه ی کمیته ی مرکزی، با یک دبیرخانه ی دائمی، و کمیسیون های محلی هر چه بیش تر و نشریه ی مختص تبلیغات در میان زنان باید ایجاد گردند. حزب می بایست اصرار داشته باشد

که مطالبات اقتصادی مردان و زنان کارگر، یکپارچه شوند: باید خواهان دستمزد برابر در ازای کار برابر بدون تبعیض جنسی و مشارکت زنان تحت استثمار در کلیه‌ی فعالیت‌های کارگران باشد.

۱۲) حزب باید به تلاش‌هایی به مراتب مداوم‌تر و سیستماتیک‌تر از گذشته برای توسعه‌ی جنبش جوانان کمونیست دست بزند. در هر دپارتمان و مؤسسه‌ی هر دو سازمان، تنگاتنگ‌ترین روابط دوسویه باید میان حزب و جوانان ایجاد گردد. باید به عنوان یک اصل پذیرفته شود که جوانان می‌بایست در هر کمیسیون ضمیمه‌ی کمیته‌ی مرکزی نمایندگی شوند. دپارتمان‌های تبلیغاتی و بخش‌های حزب می‌بایست به گروه‌های موجود جوانان یاری رسانند، و کمک کنند که گروه‌های جدیدی ایجاد گردند. کمیته‌ی مرکزی می‌باید از مطبوعات حزبی پیروی کند و صفحات ویژه‌ای را در انتشارات مرکزی حزب به سازمان جوانان اختصاص دهد. در اتحادیه‌های کارگری نیز حزب باید از مطالبات کارگران مطابق با برنامه‌ی خود پشتیبانی کند.

۱۳) کمونیست‌ها در تعاونی‌ها باید از اصل یک سازمان متحد ملی، دفاع و گروه‌هایی کمونیستی را ایجاد کنند که متصل به بخش تعاونی انترناسیونال کمونیست باشند، آن هم به واسطه‌ی کمیسیونی که تحت کمیته‌ی مرکزی فعالیت کند. در هر فدراسیون، یک کمیسیون ویژه باید به منظور انجام فعالیت حزب در درون تعاونی‌ها دایر شود. کمونیست‌ها به هر تلاشی دست خواهند زد تا از تعاونی‌ها به عنوان یک نیروی کمکی در جنبش کارگری استفاده کنند.

۱۴) اعضای ما در پارلمان، شوراها، شهر و غیره، باید مبارزه‌ای پرشور را هدایت کنند که پیوند بسیار نزدیکی داشته باشد با مبارزات کارگری و کارزارهایی که حزب و سازمان‌های اتحادیه‌ای خارج از پارلمان بر عهده دارند. نمایندگان کمونیست، مطابق با تزه‌های دومین کنگره‌ی کمینترن، تحت کنترل و رهبری کمیته‌ی

مرکزی حزب، همراه با اعضای انجمن های شهری و منطقه ای، که تحت کنترل و هدایت بخش ها و فدراسیون ها هستند، باید به عنوان کارگزاران حزب در زمینه ی آژیتاسیون و تبلیغات عمل کنند.

۱۵) حزب باید سازمان خود را با پیروی از نمونه ی احزاب بزرگ کمونیست سایر کشورها و مطابق با قوانین «انترناسیونال کمونیست» تکمیل و تقویت کند، تا بدین ترتیب بتواند سازمان خود را سطح و وظایف مطرح شده در برنامه و کنگره های ملی و بین المللی ارتقا دهند، و در موقعیتی قرار گیرند که این وظایف را در عمل تحقق بخشند. باید برای یک مرکزیت گرای سفت و سخت، انضباط انعطاف ناپذیر، تابعیت هر عضو حزبی از هیئت حزبی مربوطه، تابعیت هر هیئت حزبی از سازمانی که بلاواسطه بالاتر از آن قرار دارد، مبارزه کنند. مضاف بر این، ما باید آموزش مارکسیستی مبارزین خود را با افزایش سیستماتیک شمار دوره های تنوریک در بخش ها و افتتاح مدارس حزبی، توسعه بخشیم؛ و این دوره ها و مدارس باید تحت نظارت یک کمیسیون مرکزی متصل به کمیته ی مرکزی باشد.

لنون تروتسکی
۵ دسامبر ۱۹۲۲

ترجمه: آرام نوبخت

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۴